



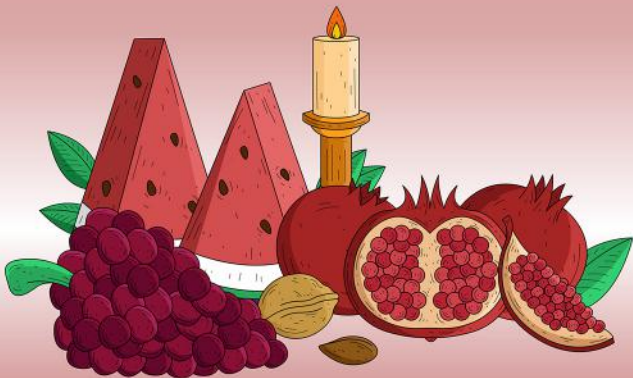
گزارشات آذرماه ۱۴۰۰

شماره ۲۴ - ۱۴۰۰/۱۰/۰۱



شب یلدا

شب یلدا شده باز بچه ها خبر خبر
ننه سرما دوباره برمیگردد از سفر







اختلال طیف اوتیسم یا درخودماندگی



قشقرق |

اختلال اوتیسم چیست؟

اختلال اوتیسم (اوتیسم) طیفی از اختلالات رشدی عصبی است که عمدتاً با علائم نقص در مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های کلامی و غیرکلامی، اصرار بر یکنواختی و علایق محدود، حرکت‌های تکراری و کلیشه‌ای، عدم همدلی و ارتباط چشمی و گستره دیگری از علائم و نشانه‌ها مشخص می‌گردد. این علائم در کودکان دارای اوتیسم به شکل و شدت متفاوتی مشاهده می‌گردد و همین امر نیز می‌تواند منجر به تشخیص سطح اختلال اوتیسم گردد.



فاکتورهای خطر آفرین اوتیسم

جنس: پسران تقریباً چهار برابر بیشتر از دختران مبتلا به اوتیسم هستند.

زایمان زودرس: نوزادان زودرس متولد شده پیش از ۲۶ هفتگی خطر بیشتری برای ابتلا به اوتیسم دارند و البته این نوزادان همراه با وزن کم به دنیا می‌آیند که این مورد نیز از موارد افزایش ریسک اوتیسم می‌گردد.



تاریخچه خانوادگی: خانواده‌هایی که دارای یک فرزند مبتلا به اوتیسم هستند بیشتر در معرض داشتن فرزند دیگری با این اختلال اند. همچنین وجود برخی اختلالات مانند اسکیزوفرنی و اختلال اوتیسم در والدین نیز می‌تواند منجر به افزایش ریسک گردد.

سایر اختلالات: کودکانی که دارای شرایط پزشکی خاص هستند بیشتر احتمال دارد در معرض اوتیسم قرار داشته باشند.



برای مثال سندروم ایکس شکننده (اختلالی ارثی که باعث اختلالات ذهنی می‌گردد)، اسکروز توپروز (شرایطی که منجر به تومورهای خوش‌خیم در سیستم مغزی عصبی می‌گردد)، سندروم رت (بیماری ژنتیکی مختص دخترها که باعث رشد کند مغز می‌گردد) و ناتوانی ذهنی.

سن والدین: مشخص گردیده است که بین سن بالای والدین (بالای ۳۵ سال) و یا سن پایین مادران (زیر ۲۰ سال) و افزایش اختلال اوتیسم ارتباط وجود دارد.



شرایط بارداری: فاصله بین بارداری‌ها مشخص گردیده است که اگر کوتاه باشد می‌تواند شرایط رحم مادر برای بارداری و پذیرایی مناسب از جنین را به خطر انداخته و ریسک اوتیسم را افزایش دهد. همچنین تغذیه مادر نیز می‌تواند یک فاکتور مهم برای این ریسک باشد هرچه تغذیه مادر نامناسب‌تر و عاری از غذاهای طبیعی و ارگانیک باشد می‌تواند خطر را بیشتر و بیشتر کند.

منبع:

www.autism-clinic.com





علائم و نشانه‌های اوتیسم چیست؟
(قسمت ۱)



AUTISM

قشقرق |

۱) کودک مبتلا به اوتیسم اختلال تکلم دارد.
از نظر کلامی، کودک مبتلا به اوتیسم دچار تاخیر است.
کودک طبیعی در یک سالگی می‌تواند تک کلمه ادا کند. در
۱.۵ سالگی ۲-۳ کلمه را با هم ترکیب می‌کند. کودکان مبتلا
به اوتیسم یا کلام ندارند یا در مقایسه با همسالانشان دچار
تاخیر کلامی‌اند. برخی کلام دارند اما معنی‌دار نیست و کلام
دیگران را اکتو می‌کنند. این به معنی هوش بالای کودک
نیست بلکه بدان معنی است که کودک درک و شناختی از
محیط اطراف ندارد.



۲) کودک مبتلا به اوتیسم «من» نمی گوید.
کودک به محض آنکه «من» را درک می کند، دیگر از «نام خود» برای بیان خواسته هایش استفاده نمی کند. کودک مبتلا به اوتیسم شناختی از «من» ندارد و خود را با نام صدا می زند. می گوید: «به علی آب بدید!» این نشانه خوبی نیست. حتی کودک مبتلا ضمایر را هم اشتباه تلفظ می کند.



۳) ارتباط کودک مبتلا به اوتیسم یکطرفه است. کودک مبتلا به اوتیسم نمی‌تواند درست ارتباط برقرار کند و گفتارش جهت‌دار نیست. ممکن است محتوای کلام با سنش متناسب نباشد. ممکن است بدون توجه به صحبت‌های دیگران فقط در مورد علایق خود صحبت کند. کودک مبتلا به اوتیسم نمی‌تواند تبادل اطلاعات کند. این کودکان به لبخند یا خستگی دیگران توجهی ندارند و قادر نیستند نوبت را رعایت کنند. آنها ارتباط یکطرفه برقرار می‌کنند و به همین علت ارتباطشان نمی‌تواند موثر باشد.



۴) واژه سازی کودک مبتلا به اوتیسم غیر طبیعی است. ممکن است واژه سازی به شکل بازی در کودکان عادی هم دیده شود اما جایگزین کردن همیشگی واژه ها، مختص مبتلایان به اوتیسم است. مثلاً کودک مبتلا به اوتیسم ممکن است همیشه به «باب اسفنجی»، «بنگی» بگوید.



۵) اوتیسم خفیف است، گاهی شدید است. در گذشته اوتیسم به ۵ گروه تقسیم می‌شد. امروزه می‌دانیم که اوتیسم نوعی اختلال رفتاری است و طیف بندی دارد. ممکن است کودک تمام علائم را داشته باشد و در طیف شدید اوتیسم باشد. ممکن است فقط مشکل ارتباطی داشته باشد؛ مثلاً نتواند دوست صمیمی داشته باشد و احساسات دیگران را درک کند و در گروه مبتلایان به اوتیسم خفیف دسته‌بندی می‌شود. مراقبت از کودکان مبتلا به اوتیسم به این دلیل اهمیت دارد.



۶) کودک مبتلا به اوتیسم ساعت‌ها با یک وسیله سرگرم می‌شود.

کودک طبیعی مدت توجه کوتاهی دارد، شاید نهایتاً ۵ دقیقه با یک اسباب بازی بازی کند و بعد آن را رها کند و سراغ بازی دیگری برود. کودک طبیعی چون محرک‌های مختلف را آزمایش می‌کند، پیشرفت می‌کند اما کودک مبتلا به اوتیسم ساعت‌ها یک بازی تکراری انجام خواهد داد.



۷) کودک مبتلا به اوتیسم محو پنکه و لباسشویی می‌شود. این کودک به چرخیدن یا به وسایلی که می‌چرخد مثل پنکه و لباسشویی علاقمند است. ممکن است ساعت‌ها خود را با تماشای آنها سرگرم کند. ممکن است زنجیری را تکان دهد یا به موسیقی‌های ثابت واکنش و علاقه شدید نشان دهد.

منبع:

www.mehrparvar.com





علائم و نشانه‌های اوتیسم چیست؟
(قسمت ۲)



قشقرق |

۸) کودک مبتلا به اوتیسم مثل کودکان دیگر بازی نمی کند این کودکان بازی های تخیلی ندارند. کودکان از ۱,۵ تا ۲ سالگی وارد بازی های نمادین می شوند. ممکن است از یک تکه پازل به عنوان لیوان چای استفاده کنند. عروسک شان را روی پا بگذارند و تکان دهند. این بازی ها به رشد طبیعی کودک کمک می کند اما مبتلایان به اوتیسم این توانایی را ندارند. آنها با اسباب بازی ها آنگونه که باید بازی نمی کنند. ممکن است به جای راه بردن ماشین های اسباب بازی روی زمین، آنها را پشت هم بچینند و قطار کنند.



۹) تشخیص اوتیسم در بدو تولد ممکن نیست
علائم اوتیسم در کودکان معمولا از ۹ ماهگی قابل تشخیص
است اما در ۲-۳ سالگی کاملا مشخص می‌شود. در موارد
بسیار خفیف ممکن است در نوجوانی یا جوانی تشخیص داده
شود. علائم در ۳ حوزه ارتباط، کلام و علایق و رفتارهای
تکراری دیده می‌شود.

۱۰) کودک مبتلا به اوتیسم ارتباط چشمی ندارد
در موارد متوسط تا شدید، این کودکان ارتباط چشمی ندارند
اما در موارد خفیف فقط ارتباط کلامی برقرار نمی‌کنند.



۱۱) کودک مبتلا به اوتیسم نبوغ خاصی در برخی مسائل دارد
دو سوم کودکان مبتلا کم‌توان ذهنی هستند و یک سوم آنها
هوش معمولی دارند. این کودکان در برخی مسائل نبوغ
خاصی دارند. مثلاً ممکن است علاقه خاصی به سیاره‌ها داشته
باشند و با کمترین تلنگری اطلاعاتی را در این زمینه حفظ
کنند. در زمان صحبت درباره این موضوعات در جمع، به پیام
های ارتباطی دیگران مثل «بس است» یا «خسته شدیم»
توجهی نمی‌کنند.

۱۲) کودک مبتلا به اوتیسم توان همذات‌پنداری ندارد



کودک مبتلا به اوتیسم درک کاملی از احساسات دارد. او می‌تواند مادرش را بغل کند و ببوسد یا دلیل گریه‌اش را جویا شود. متأسفانه در سنین بالاتر که انتظارها از او بیشتر می‌شود، ممکن است در این زمینه دچار مشکل شود. کودک مبتلا به اوتیسم توانایی ذهن خوانی ندارد. نمی‌تواند به محیط توجه کند یا خود را جای دیگران بگذارد و احساسات دیگران را درک کند.

۱۳) اوتیسم در کودکان و نداشتن تفکر انتزاعی
تفکر پیچیده انتزاعی با رسیدن به نوجوانی کامل می‌شود. یک فرد عادی در نوجوانی متوجه ضرب المثل‌ها و کنایه



می‌شود. مبتلایان به اوتیسم نمی‌توانند از مسائل نتیجه بگیرند و همین موضوع ارتباطشان را مختل می‌کند.

۱۴) کودکان مبتلا به اوتیسم یکپارچگی حسی ندارند این کودکان یکپارچگی حسی ندارند؛ یعنی در برخی از آنها آستانه درد بسیار بالا و در برخی پایین است. بعضی از آنها گاهی متوجه سوختگی‌های شدید نمی‌شوند و برخی با کوچکترین ضربه درد شدید حس می‌کنند. در مورد صدا هم همین‌طور است؛ گاهی یک کودک مبتلا صداهای بسیار آهسته را می‌شنود و به آن توجه دارد در حالی که متوجه صداهای بلند مثل صدای زنگ در نمی‌شود.

منبع:

www.mehrparvar.com





شیوه‌های ایجاد و افزایش رفتار مطلوب
در کودک مبتلا به اوتیسم



| قشقرق

روش تقویت مثبت

شیوه‌ای همگانی است که تمام افراد از آن از طریق ستایش، تعریف، تمجید و پاداش به نیرومند ساختن رفتار دیگران می‌پردازند. مانند دست کشیدن به سر کودک اُتِستیک جهت افزایش ارتباط چشمی. یکی از انواع روش‌های تقویت مثبت، تقویت افتراقی است.

تقویت افتراقی

شیوه‌ای است که در آن تلاش می‌گردد فراوانی رفتار مطلوب افزایش و رفتارهای نامطلوب کاهش یابد. هر بار که رفتار مطلوب رخ می‌دهد تقویت می‌گردد و این امر منجر به



افزایش احتمال بعدی رفتار مطلوب در کودک مبتلا به اوتیسم می‌گردد. به عنوان مثال هنگامی که در پی درخواست شما کودکان موفق به قرار دادن تعدادی مکعب بر روی هم می‌شود به او تکه ای شکلات داده و با گفتن آفرین باعث افزایش یا تکرار رفتار در وی می‌شوید.

نکته: برای اینکه تقویت کننده برای کودک اتیستیک حد اکثر کارایی را داشته باشد لازم است تقویت کننده بلافاصله بعد از انجام رفتار مطلوب به او داده شود. مثلاً هنگامی که کودک ارتباط چشمی برقرار کرد فوراً او را بغل کرده و از کلمه آفرین استفاده کنید.



اقتصاد ژتونی

یکی از فنون بسیار موفق برای کودک مبتلا به اوتیسم استفاده از روش‌های تقویتی به ویژه در تقویت مثبت، اقتصاد ژتونی است که در اینجا با ارائه مثالی توضیح داده می‌شود. حسین کودکی است که با توجه به فراگیری اجابت مزاج در توالت، این کار را در خارج از توالت انجام می‌دهد. از او می‌خواهیم که از این به بعد برای این مساله به توالت برود و به ازاء هر بار انجام یک ستاره دریافت نماید و زمانی که ستاره‌هایش به تعداد مشخصی رسید به او جایزه تعلق می‌گیرد و در صورت نرفتن به دستشویی از او ستاره کم می‌گردد. به این شکل حسین



فراگرفت برای به دست آوردن جایزه مورد نظر برای هر بار
اجابت مزاج به توالی برود.

روش تقویت منفی

علاوه بر تقویت مثبت، تقویت منفی نیز موجب افزایش رفتار
می‌گردد. تفاوت تقویت کننده منفی با تقویت کننده مثبت در
این است که در تقویت کننده منفی جلوگیری از وقوع آن
موجب افزایش رفتار مطلوب می‌گردد. هنگامی که کودک
اتیستیک به دنیای درون خود فرو می‌رود یک صدای
بلند (تقویت کننده منفی) موجب کاهش رفتار نامطلوب (قطع در
خود ماندن) و افزایش رفتار مطلوب (از خود بیرون آمدن)
می‌گردد.



روش محو کردن

یکی دیگر از روش‌های افزایش رفتار مثبت، روش محو کردن محرک‌ها است. یعنی محرکات کنترل کننده رفتار تدریجاً با محرکات کنترل کننده دیگر تغییر می‌یابند و به این روش محو کردن می‌گویند. حال با مثالی در مورد کودک اتیستیک مسئله را روشن می‌کنیم. یک پسر بچه اتیستیک به نام علی فقط گفته‌های دیگران را تقلید می‌کند و نمی‌تواند به چیزهایی که دیگران به او می‌گویند بطور مناسب پاسخ دهد. برای مثال وقتی از او می‌پرسند: اسمت چیه؟ در پاسخ می‌گوید اسمت چیه؟ اسمت چیه؟ اسمت چیه؟ این یک مشکل کنترل محرک



است که در آن سوالی که پرسیده می شود به جای پاسخ های مناسب، پاسخ های تقلیدی را بر می انگیزد. با استفاده از روش محو کردن مشکل این کودک بر طرف شد یعنی به او آموزش داده شد که در جواب به اسمت چیه؟ پاسخ درست بدهد . برای این منظور، ابتدا مربی تقویت کننده مناسب را مشخص کرد مانند آبنبات. سپس مربی علی را روی صندلی در مقابل خود نشاند و با صدای بلند از او پرسید اسمت چیه ؟ قبل از آنکه علی فرصت جواب دادن بیابد مربی خیلی سریع و بلند فریاد زد ((علی)) علی کلمه علی را تقلید کرد و مربی این پاسخ او را با گفتن آفرین پسر و یک تکه آبنات تقویت کرد. بعد از



تکرار این عمل برای بارها و بارها، مربی با صدای بلند از علی پرسید اسمت چیه؟ و او جواب داد ((علی)).

روش‌های تعمیم یا گسترش رفتار برای اوتیسم

مهمترین اصل روانشناسی یادگیری که طبق آن رفتار از موقعیت‌های خاص یادگیری به موقعیت‌های دیگر گسترش می‌یابد اصل تعمیم است. تعمیم انواع مختلفی دارد یک نوع تعمیم آن است که رفتاری که در یک موقعیت خاص و در حضور یک تغییر دهنده رفتار یا مربی خاص آموخته شده است در موقعیت‌های دیگر یا در حضور مربیان دیگر نیز انجام شود. این پدیده را انتقال آموزش یا تعمیم محرک می‌نامند.



به عنوان مثال حسین سلام کردن را فقط در مورد مربی خود به کار می‌برد و در جمع فقط به مربی خود سلام می‌کند. مربی او را به کلاسهای دیگر برده و از او می‌خواهد به تک تک مربیان دیگر هم سلام کند. نوع دوم تعمیم، نگهداری رفتار نام دارد که به ادامه رفتار پس از پایان برنامه تغییر رفتار یا آموزش گفته می‌شود و به آن استقامت رفتار هم می‌گویند. و نوع سوم تعمیم، تعمیم پاسخ است. منظور از تعمیم پاسخ این است که در نتیجه ایجاد تغییر در یک رفتار خاص رفتارهای دیگری از شخص نیز تغییر کند. که این پدیده را تغییر رفتار همزمان می‌نامند. برای مثال وقتی به کودک مبتلا به اوتیسم آموزش



شلوار پوشیدن را می دهیم همزمان با آن تشخیص جلو و پشت
شلوار، بستن زیپ و دکمه آن نیز آموزش داده می شود.

منبع:

www.autism-clinic.com





گامیتنامہ |

Hello!!



گامیتنامہ

چرا بہ مدرسہ برگردیم؟



در اولین صبح روز بازگشایی مجدد مدارس خانم آستا معلم پایه‌ی سوم وارد کلاس شد و از اون چیزی که دید دچار تعجب شد. نه صدای خنده و شوخی به گوش می‌رسید و نه خبری از گفتگوهای داغ و هیجان‌انگیز بود. کلاس در سکوتی بی‌سابقه فرو رفته و هر بچه‌ای مشغول کار خودش بود. چه شروع کسل‌کننده‌ای!

خیلی زود پی برد که جایی از کار می‌لنگه و باید راه چاره‌ای پیدا کرد. بنابراین بازیرکی بچه‌ها رو دایره‌وار کنار هم نشوند و از شون خواست که بگن بعد از تقریبا دو سال بیشتر از همه دلشون برای چه چیز مدرسه تنگ شده بود؟ ملیکا اولین نفری بود که دستش رو بالا گرفت و گفت: من دلم برای مداد تراشیدن دم سطل زباله تنگ شده بود آخه اونجوری می‌تونستم همه‌ی



بچه‌ها رو کنار همدیگه بینم .

سحر که بعد از حرفای صمیمی‌ترین دوستش مشتاق به صحبت کردن شده بود گفت: من دلم تنگ شده بود برای اینکه زنگ تفریح پشت بوفه بشینیم و حرف بزنیم.

نیکو هنوز خجالت می‌کشید حرف بزنه اما داشت با خودش فکر می‌کرد که چقدر تو این دو سال دلش می‌خواسته دوباره سر زنگ ورزش با دوستاش والیبال بازی کنه.

سارا با اشتیاق گفت من بگم من بگم: من دلم برای خندیدن واسه استندآپ عاطفه سر صف تنگ شده بود و این موضوع یادآور ماجرای خنده‌داری برای همه شد. در نهایت هر کدوم از بچه‌ها به موضوعی اشاره کردن و به این



ترتیب تا آخر زنگ دوباره شادی و سرزندگی به کلاس سوم (ب) برگشت.
در همین حین خانم آستا به یاد تردید خودش نسبت به بازگشایی مجدد
مدارس بعد از کرونا افتاد و حالا پی برد که چرا بچه ها به کنار هم بودن نیاز
دارند.

شما در مورد بازگشایی مدارس چی فکر می کنید؟ و بیشتر از همه دل تنگ
چه چیزی بودید؟

نوشته ای از
نگین مرزپور



گامیتنامہ



شما زمان خود را چگونه مدیریت می کنید؟



با دینگ دینگ ساعت لنا و آنا از خواب بیدار شدند و همون لحظه صدای پدرشون رو شنیدن که صدا می‌زد: بچه ها بیاین صبحونه. لنا خمیازه کشان یادش افتاد که امروز شنبه ست و پدر قول درست کردن پنکیک را داده. بنابراین با خوشحالی از تخت پایین پرید و آبی به دست و صورتش زد و لباس پوشیده نشست پای میز صبحانه.

اما در همون حین آنا با عجله به اینور و اونور می‌دوید و مرتباً می‌پرسید: کسی دفتر نقاشی من رو ندیده؟ آنای بیچاره تا دفترش رو پیدا کرد سرویس مدرسه از راه رسید.

آنا تو اتوبوس با قیافه ای ناراحت کنار خواهرش نشسته بود و به این فکر می‌کرد این اولین بار نیست که لذت خوردن پنکیک‌های گرم و خوشمزه رو از دست داده است.



لنا وقتی خواهرش رو تو اون حالت دید رو کرد بهش و گفت: میدونی منم کلاس اول که بودم هر روز با عجله و هول هولکی حاضر می‌شدم و چون به صبحونه نمی‌رسیدم از صدای قار و قور شکمم پیش دوستان خیلی خجالت می‌کشیدم. این شد با خودم فکر کردم اگه وسایلم را شب قبلش تو کیفم بچینم صبح کار کمتری برای انجام دادن دارم. توام اگه بخوای می‌تونی امتحان کنی.

آنا با هیجان سر تگون داد و با خودش فکر کرد اینجوری دیگه هیچ وقت پنکیک‌های پدر رو از دست نمی‌دهد.

گامبیتی‌های عزیز شما برای اینکه صبح به کاراتون برسید چه کارایی انجام می‌دید؟

نوشته‌ای از
نگین مرزپور



سرگرمی |





اسر گرمی

آخرین کتاب داستانی که برای
فرزندتان خواندید، چه نام داشت؟





اسر گرمی

آیا ماهی قرمز من ،
مرا تشخیص می دهد؟



ماهی‌ها از آنچه انسان‌ها تصور می‌کنند باهوش‌ترند. مردم همیشه می‌گویند ماهی‌ها وقایع را تنها تا ۳ ثانیه به یاد می‌آورند در حالی که ماهی‌ها چیزهای زیادی یاد می‌گیرند و آن‌ها را برای مدت نسبتاً طولانی به خاطر می‌سپارند. ماهی‌ها تکامل یافته‌اند و می‌توانند ماهی‌ها را از هم تمییز دهند و به هم اطلاعاتی انتقال دهند. برای ماهی‌ها دیدن مهم است اما حس بویایی و لامسه آن‌ها قوی‌تر است.





اسر گرمی

آموزش کار دستی ساعت آفتابی



وسایل مورد نیاز:

- بشقاب کاغذی
- تخته پوستر
- خمیر بازی
- چوب یا مداد
- ماژیک
- تایمر یا ساعت زنگ‌دار



مراحل ساختن کاردستی ساعت آفتابی:
(۱) در ابتدا خمیر بازی را به شکل توپ درآورید، سپس
چوب یا مداد یا میله‌ای را در مرکز توپ خمیری قرار دهید
و بعد آن را در وسط صفحه کاغذی فیکس کنید.



۲) در مرحله بعدی، پوستر را به خارج از منزل و محیط بیرون ببرید و آن را در مکانی قرار دهید که آفتاب به طور کامل آن را فرا بگیرد. صفحه کاغذی را نیز در وسط پوستر قرار دهید.



۳) اکنون دایره‌ای را پیرامون صفحه کاغذی رسم کنید و در صورتی که ساعت آفتابی تان کار می‌کند، باید زمان‌هایی که توسط سایه در بالای ساعت ایجاد می‌شوند را علامت‌گذاری کنید.



۴) می‌توانید از ساعت ۱۰ شروع کنید و ساعت زنگ‌دار را تنظیم کرده تا در پایان هر ساعت زنگ بزند، شما می‌توانید هر بار که زنگ ساعت خاموش شد، سایه و زمان مشخص شده را علامت گذاری کنید.



منبع:

www.happybrownhouse.com





اسر گرمی

بازدید بچه‌های مدرسه
از موزه هنر فولکور ارمنستان

















اسر گرمی

برای یک دوست بیمار،
یک کارت پستال زیبا طراحی کنید و
پیام خود را در آن بنویسید.





معرفی کتاب











داستان کوتاه |





تمساح حریص
داستان کوتاه

در نزدیکی دهکده‌ای، یک برکه‌ای وجود داشت که در آن یک تمساح حریص زندگی می‌کرد، روزی یک پسر کوچک را در نزدیکی برکه دید که مقداری گوشت در دستانش داشت. تمساح تصمیم گرفت هم پسرک را بخورد و هم گوشتی که در دستانش بود.

بنابراین بالحنی آرام و فریبنده به پسر کوچولو گفت: "اوه پسر کوچولو! گوشت را به من می‌دهید من بسیار گرسنه هستم."
پسر کوچولو گفت: اوه نه شما مرا خواهید خورد.
تمساح گفت: قول می‌دهم، شما را نخورم.



پسر کوچولو نزدیک تمساح رفت تا گوشت را به او بدهد اما تمساح با زیرکی بازوی پسرک را در دهانش گرفت. یک خرگوش که در آن نزدیکی بود ماجرا را دید و خواست به پسر کمک کند، بنابراین به نزدیکی آنها رفت و تمساح وقتی خرگوش را دید پیش خود فکر کرد که بهتر است اول خرگوش را بخورد و بعد سراغ پسر بچه برود بنابراین بازوی پسر بچه را رها کرد و پس از آن، پسر بچه و خرگوش به سرعت فرار کردند و تمساح حيله گر به خواسته اش نرسيد.





مداد سیاه و رنگین کمان
داستان کوتاه



پسر کوچولو دلش می‌خواست یک جعبه مداد رنگی داشته باشد. مداد سبز، آبی، بنفش، نارنجی... اما فقط یک مداد داشت، آن هم سیاه بود. پسر کوچولو با مداد سیاهش نقاشی می‌کشید. دریای سیاه، کوه سیاه، جنگل سیاه و دشت سیاه. مداد سیاه، پسر کوچولو را دوست داشت، توی دلش می‌گفت: کاش می‌توانستم آسمان نقاشی‌اش را آبی کنم، جنگل را سبز و دشت را طلایی... اما نمی‌توانست. او فقط یک مداد سیاه بود. پسر کوچولو از صبح تا شب نقاشی می‌کشید. مداد سیاه کوچک و کوچک‌تر می‌شد. سرانجام، خیلی کوچک شد؛ آن قدر که پسر کوچولو نتوانست



آن را بین انگشت هایش بگیرد. پسر کوچولو بغض کرد. مداد را برد و توی باغچه گذاشت. مداد توی دلش گفت: چه قدر مهربان است! حتی دلش نیامد مرا دور بیاندازد. و گریه اش گرفت، همان موقع باران بارید و بعد رنگین کمان شد. رنگین کمان بالای حیاط کمانه زد. توی باغچه مداد سیاه کوچک را دید که گریه می کرد. رنگین کمان پرسید: چرا گریه می کنی؟ مداد سیاه گفت: توی این خانه پسر کوچولویی زندگی می کند. پسر کوچولویی که نقاشی را خیلی دوست دارد. دلم می خواست بهترین رنگ ها را به نقاشی هایش بدهم. اما نتوانستم. همیشه همه چیز را سیاه نقاشی



کردم. رنگین کمان گفت: غصه نخور تو یک مداد سیاه دوست داشتنی هستی. سپس لبخند زد. هوا پر از رنگ شد. رنگین کمان از هر رنگ، ذره‌ای به مداد بخشید. بعد، آرام آرام از آنجا رفت. مداد مثل یک درخت توی باغچه سبز شد، قد کشید و شاخه داد. هر شاخه‌اش یک مداد کوچک بود: مداد سبز، سرخ، بنفش، آبی... وقتی پسر کوچولو به حیاط آمد، مداد سیاه کوچکش سبز شده بود که هفت شاخه‌ی رنگی داشت، هفت تا مداد رنگی قشنگ. پسر کوچولو کنار باغچه نشست و با تعجب به درخت مداد نگاه کرد. درخت مداد به سمت او خم شد و خودش را



تکان داد. مدادهای رنگی مثل میوه پایین افتادند، پسر کوچولو با شادی مداد رنگی‌ها را از توی باغچه جمع کرد. مداد سیاه گفت: حالا می‌توانی آسمان را آبی، جنگل را سبز و دشت را طلایی بکشی. آن وقت پسر کوچولو اولین نقاشی رنگی‌اش را کشید؛ یک درخت سیاه که هفت شاخه‌ی رنگی داشت.





اتحاد پرنده‌ها
داستان کوتاه



یکی بود یکی نبود توی یک جنگل زیبا، روی یک درخت قشنگ یک لانه پرنده بود، در لانه سه تا تخم زرد بود. وقتی پرنده زرد روی تخم‌ها خوابید پرنده جفت برای او غذا می‌آورد چند روزی گذشت جوجه‌ها از توی تخم بیرون آمدند اول خیلی قشنگ نبودند، جایی را هم نمی‌دیدند فقط دهانشان را باز می‌کردند و خانم پرنده و آقای پرنده برای آن‌ها غذا می‌آوردند.

آن‌ها با اتحاد و همکاری جوجه‌ها را بزرگ کردند و زمان یاد دادن کارهایی شد که معمولا پرنده‌ها به بچه‌هایشان یاد می‌دهند، خانم پرنده پرید پایین و یک تکه چوب را با منقار



گرفت و پرید روی درخت جوجه‌ها هر کدام می‌خواستند به تنهایی یک شاخه چوب بزرگ را بالا بیاورند یکی می‌گفت من قوی ترم الان بلندش می‌کنم یکی دیگر می‌گفت خودم بلندش می‌کنم دعوا بالا گرفت و شروع کردند به هم نوک زدن خانم پرنده مهربون گفت: جوجه‌های قشنگ و بانمک من بیاید اینجا کارتون دارم.

پرنده مادر به آن‌ها گفت: دعوا نکنید شما برادر و خواهر هستید، همیشه با هم و در کنار هم باشید.

به این مورچه‌های کوچک نگاه کنید، آن دانه‌ای که می‌برند



مگر نه این که چندین برابر قد و قواره آنهاست ولی آنها با اتحاد و همدلی و انسجامی که دارند با هم دانه را بلند می کنند و همه در یک جهت حرکت می کنند در حالی که اگر این طرف و آن طرف می رفتند هرگز موفق به بردن دانه نمی شدند.

کاری را انجام دهید که از عهده آن بر آید. حالا عزیزانم ببینم که چه می کنید. بعد هر سه پرنده باهم متحد شدند و آن تکه چوب را از زمین بلند کردند و پیش مامان پرنده نشستند و مامان پرنده گفت آفرین و آنها را در آغوش گرفت.

آن ها از مورچه ها یاد گرفتند که با هم متحد باشند تا توان انجام



آن ها از مورچه ها یاد گرفتند که با هم متحد باشند تا توان انجام کارها را پیدا کنند.





فصل پاییز
داستان کوتاه

آبی شده آسمان
کنار رنگین کمان

با نور خورشید خانم
با اشک ابر و باران

نگاه بکن به آنجا
چقدر قشنگه مامان



ریختن برگ پاییز
در ماه مهر و آبان

آذر هم تو پاییزه
یک فصل رفتم دبستان

وقتی آذر تمام شد
شروع میشه زمستان



| شما هم داستان کوتاه
| برای ما ارسال کنید |



سال نو میلادی
مبارک



